

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ دسمبر ۲۰۲۲

کابل و ... شهرهای مرده های متحرک!؟

جمعه - ۰۹ جدي ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز نخست بخشی از چگونگی گذشت امروز را به شما در میان می گذارم، بعداً به بحث در مورد زندگانی مردم در شهر کابل ادامه خواهیم دید.

۱- به دستور بزرگان خانواده و بر حسب حکم در مورد "خرد پارسیوان" امروز عصر سری زدم به خانه یکی از دوستان خانوادگی ما. اینها در میکروریان کهنه زندگانی می نمایند. در آن خانه تنها یک زن و شوهر به سر می برند. هر چند در زمانی یک فامیل پر تعدادی بوده اند که در خانه های میکروریان جای نمی شدند، مگر امروز تنها هستند. دختران و پسران شان همه در خارج از افغانستان هستند و انصافاً باید گفت، پدر و مادر را فراموش نکرده منظماً برای شان پول می فرستند.

از آنجایی که مرکز گرمی ها کار نمی کرد، در اتاق نشیمن یک صندلی بزرگی با تمام کش و فش آن گذاشته بودند، گویا زغال بلوط خربیده اند، منقل را در بیرون عمارت آتش و تازه نموده، بعد از سپری شدن یکی دو ساعت به خانه آورده و زیر صندلی می گذاشتند، در همان یکی دو ساعتی که برق باشد بی پروا از وسایل برقی جهت شکستادن هوای خانه استفاده می نمایند و تشویش پرداختن بل برق را ندارند.

مشکلی که به وجود آمده در کنار کبر سن، مریضی مرد خانواده است. امروز وقتی دیدنش رفتم ظرف دو سه ساعتی که در آنجا بودم هر چند دقیقه، چندین بار از همسرش پرسید که من "که هستم و از کجا آمده ام" و هم من و هم همسرش به سوالاتش با حوصله مندی پاسخ گفتیم، با آنهم من را نشناخت. در یک کلام حافظه اش را کاملاً از دست داده است و اگر از خانه بیرون شود، گم شده راه برگشتن را نخواهد یافت.

بر مبنای همین مشکل، زن ناگزیر است جهت گرفتن و نقد کردن حواله از سرای شاهزاده باید خودش مراجعه نماید. ماه گذشته چون وقت برگشتن اندکی تاریک شده بود، طالب بچه ای وی را که عمر مادر و حتا مادرکلانش را دارد چند قنداق تفنگ زده بود که چرا تنها بیرون شده و آن وقت شب در کوچه و سرک چه می کند. به همین جهت کمک می خواستند که کسی بیاید و همان حواله را سلامت برایشان برساند. چون زن حتا اگر در سن و سال مادرکلان طالب بچه هم باشد، حق ندارد تنها از خانه خارج شود.

۲- وقتی از خانه دوست بعد از دو سه ساعت بیرون شدم، نزدیکی های شام بود، هوای کابل هرچند تا حدودی پاکتر از روز های قبل شده بود مگر سردی هوا، تمام شهر را به گذرگاه و خنگ و باد جان سوزش مبدل نموده بود، از همین رو

شیشه های موتر را یخ زده بود. بعد از مقداری جان کندن جهت پاک کردن شیشه، وقتی از آنجا راهی کوتاه سنگی شدم تا دوست دیگری را ملاقات نمایم، در اکثر قسمت ها شهر تاریک و گورستان مانندشده پرند پر نمی زد فقط چیزی که نشان می داد هنوز در این شهر حیات وجود دارد عبور و مرور موتر ها بود.

از میکروریان کهنه تا کوتاه سنگی سه جای از تلاشی و ایست طالب گذر نمودم، نمی دانم چرا در روز های اخیر به حضور نظامی افراد همیشه مسلح شان افزوده اند، آیا خبر موثقی شنیده اند و یا می خواهند از مردم زهر چشم بگیرند، معلوم نشد.

دوستانم در یکی از بلند منزلهای نسبتاً جدید کوتاه سنگی اقامت دارد. چون اکثر باشندگان آن ساختمان ده طبقه به پرداخت ۷۵۰ دالر مصارف سوخت موافقه نکرده اند، در نتیجه خانه آنها به علاوه تاریک چنان سرد است که امروز در داخل اتاق نشیمن گیلان آب را یخ زده بود.

آنها می خواستند بدانند که آیا می شود دودکش بخاری را در جایی که برای فلتر بخار و بوی در آشپز خانه وجود دارد نصب کرد و یا خیر؟ با تأسف نتیجه تلاش ما منفی بود چون سیستم خانه قسمی است که اگر ما در منزل خود به چنان ابتکاری دست زنیم، آپارتمان های بالاتر با دود آن کور خواهند شد.

هموطنان گرامی!

این دو بخش از گذشت زندگانی امروزم را به خاطری نگاشتم و تقدیم تان نمودم که در این فضای سرد و استخوانسوز، به آن مشکلاتی آشنا شوید که ظاهراً هیچ به چشم نمی خوردند. در مورد اول مشکل خانواده، بی پولی نیست فرزندان شان به قدر کافی برایشان پول می فرستند، مگر مشکل رفتن و گرفتن پول است. طالب که از قرآن برداشت سوءنموده، آیتی را که مخصوص برای زنان محمد آمده، بر همه مردم اجرای آن را تحمیل می نمایند، فرمان حبس خانگی تمام زنان کشور را صادر نموده است، از دید آنها هیچ زنی حتا "پیچه سفید" حق ندارد به تنهایی از خانه خارج شود، اگر چنان کند احتمال بروز مفسده را فراهم می سازد و طالب که خود را از جانب خدا، کنترل کننده فساد بر روی زمین افغانستان ویران می داند با قنفاق تفنگ آن زن را نوازش می نماید و برایش هیچ اهمیت ندارد که آن پیرزن مظلوم که بدون آنها با هزارو یک درد و مرض دست به گریبان است چگونه زندگانی نماید.

به همین قسم در مورد دوم بلند منزل هائی که در دو دهه اخیر با پروژه های "بساز و بفروش" اعمار گردیده، به تنها چیزی که فکر نکرده اند و برای آن تدارک نگرفته اند، شرایط افغانستان و "چپه گرمک" هائیکه در اینجا رخ می دهد. از همین رو در تمام ساختمان شما یک منفذ نمی یابید که دودکش بخاری تان را بدان وصل نمائید. یکی از باشندگان که با برداشتن شیشه یک اتاق یک بخاری نصب نموده بود، گویا با سعایت صاحب ساختمان به طالب و خواندن خطرات احتمالی در گوش طالب بچه، آن فرد مظلوم را چنان لت و کوب نموده اند که نه تنها درسی برای خودش باشد بلکه برای بقیه باشندگان آن ساختمان نیز گردد.

هموطنان گرامی!

در این دو تجربه، من گوشه ای از مشکلات دو باشندگان از قشر متوسط جامعه را بیان داشتم، این که اقشار پائینتر از آن به خصوص آنهایی که هنوز در خیمه ها و بر روی برف و یخ روز می گذارند، مطمئناً بیانش از توان قلم من بیرون است. فقط همینقدر می دانم که اگر مردم در یک حرکت همگانی و طوفان آسا، طومار طالب را نیچند و آنها را روانه زباله تاریخ نمایند، در زمستان پیش رو تنها در همین بزرگ شهر کابل، به ده ها هزار از هموطنان ما از برف، سرما و یخبندان در خانه هایشان و یا در روی جاده ها از میان خواهند رفت و کابل اگر امروز به یک نیمه شهر اموات مبدل

شده است، در آن صورت کاملاً به یک شهر اموات مبدل شده، آنهایی که در آن زنده هم بمانند چیزی بیشتر از مرده های متحرک نخواهند بود.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!